

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یادداشت:

ضمن ابراز امتنان خدمت همکار گرامی ما آقای "بهشتی" که زحمت ترجمه این کتاب را متقبل شده و آنرا برای ما ارسال داشته اند، باید متذکر گردیم که نشر کتاب به هیچ صورت به معنای پذیرش متن آن از جانب پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" نبوده، به جرأت می توان نوشت که در جمیع ابعاد طرز دید نویسنده کتاب در مغایرت و مخالفت با نظرات ما می باشد.

ما طی مدت بیش از دو سال عمر پورتال بار ها هم به وسیله اعلامیه ها و هم به وسیله نوشته های متصدیان و همکاران قلمی خویش تذکر داده ایم که در قدم اول بار مسؤلیت بیش از سه دهه فاجعه را در افغانستان، کشور های خاجی و ایادی داخلی آنها به دوش داشته و برای ختم این فاجعه درد انگیز اولتر از همه باید دستان اشغالگران، متجاوزان و مداخله گران خارجی را با ایادی خود فروخته آنها از افغانستان کوتاه کرد. در همین جا بار دیگر تاریخ را شاهد می گیریم که بدون عملی شدن این خواست هیچ گاهی در افغانستان صلح، آرامش و بهروزی به وجود نخواهد آمد، بلکه این دور و تسلسل خشونت آنقدر ادامه خواهد یافت تا تمام منطقه را با خود به آتش بکشاند. از آنجائی که پورتال تصمیم گرفته است در آخر این کتاب نقد کاملی را تهیه و تقدیم خوانندگان نماید، لذا در خطوط کلی، بخش های جداگانه کتاب بدون تبصره به نشر خواهد رسید.

نباید چنان پنداشت که گویا خوانندگان ارجمند و همکاران گرامی ما نیز باید الی اخیر کتاب صبر نمایند؛ بلکه عکس آن هرگاه نقدی بر موضوعات مطرح در این کتاب از جانب خوانندگان و یا همکاران فرستاده شود، مسلم است که بدون تأخیر به نشر خواهد رسید.

اداره پورتال AA-AA

پروژه آزمایشی برای برقراری صلح و طرح برون رفت نیروهای

خارجی از افغانستان



نویسنده

کریستف ر. هورستل Christoph R. Hörstel

ترجمه از حمید بهشتی

. مقدمات

۱. ۱. وضع موجود

۲. ۱. آغازی تازه: تثبیت توسط محوری قوی در آسیای میانه

۳. ۱. شرایط محیط و کمی فرصت

۱. ۳. ۱. دولت المان مجبور نیست با طالبان مذاکره کند

۲. ۳. ۱. زمانبندی با توجه به تحولات داخل امریکا

۲. معرفی: پروژه آزمایشی و طرح برون رفت

۱. ۲. انتخاب ولایت برای طرح آزمایشی

۲. ۲. مبانی طرح آزمایشی

۳. ۲. مأمور طرح صلح

۴. ۲. طرح برون رفت (قوای خارجی)

۵. ۲. میانجیگری همه جانبه برای همراهی پروژه

۲. ۵. ۱. مبانی

۲. ۵. ۲. نظام لدراخ

۲. ۵. ۲. ۱. سطوح ساختاری

۲. ۵. ۲. ۲. محور زمانی

۲. ۵. ۲. ۳. چارچوب کلی

۳. ستراتیژی کردن کمک عمرانی

۴. ولایت قندوز

۴. ۱. جغرافیا، مردم و تاریخ

۴. ۲. ارتباطات و مشخصات اقتصادی

۴. ۳. عوامل عدم امنیت

۵. سوالات، مسائل، عکس العمل ها

۵. ۱. سوالات

۵. ۲. مسائل مربوط به مجموع طرح

۵. ۲. ۱. طرح لدراخ در ولایت قندوز

۵. ۲. ۲. چشم اندازهای کوتاه مدت و درازمدت

۵. ۲. ۳. زیربنا و اساس صلح

## ۱. مقدمات

### ۱.۱. وضع موجود

تحلیل خطر سنجی شرکت امریکائی گلوبال سکيوریتی Global Security مؤرخ دسامبر ۲۰۰۷ افغانستان را به لحاظ امنیتی به قرار ذیل تقسیم بندی کرده است: ۴۰ درصد کشور به میزان متوسط خطرناک است، ۳۰ درصد به میزان بالا و مابقی فوق العاده. مناطق بی خطر یا دارای احتمال خطر کم دیگر وجود ندارند. در سال ۲۰۰۶ پیمان ناتو ۶۴۰۰ "پیش آمد" را رسماً به بخش های عملیات انتحاری، بمب گذاریهای خیابانی (IED) و رو در روئی مستقیم تقسیم نمود. در سال ۲۰۰۷ آگاهان پیش بینی نمودند که این ارقام تا پایان سال به بیش از دو برابر خواهد رسید و این سومین مرتبه ایست که چنین افزایشی صورت می گرفت. اما همواره ارقام رسمی کمتر از اینها عنوان شده اند. بدین قرار پیمان ناتو می باید مطمئناً در سال ۲۰۰۷ به تحریف ارقام خویش پرداخته باشد. نبرد تبلیغاتی ناهنجاری که سالهاست در زمینه جلوه گر نمودن دخالت ما در افغانستان صورت می گیرد به کیفیت تازه ای رسیده است: حال دیگر موضوع فقط بر سر گول زدن مردم کشورهای پیمان ناتو نیست.

من در کتاب آتی ام "کانون حریق، پاکستان" (اپریل ۲۰۰۸، انتشارات Droemer & Knauer) مشروحاً نشان دادم که چگونه مقاومت افغانستان، در پاکستان به طور تصنعی توسط سازمان های جاسوسی تقویت میشود. رهبران طالبان و سایرین در این نظام، هر یک مأمور هدایتگر خود را در ISI (سازمان جاسوسی پاکستان- مترجم) و حتاً دفاتر ارتباطی خویش را در اسلام آباد دارند. هدف واشنگتن عرضه نمودن اوضاع سخت و وحشتناک به مردم کشورهای پیمان ناتو می باشد تا بدین گونه آن کشورها نیروهای خود را به طور مستمر در افغانستان مستقر و روابط دموکراتیک و امنیت اطلاعاتی را در کشورهای خویش محدود نمایند.

در آغاز سال ۲۰۰۸ در مقابل المان و نیز سایر متحدین آن در افغانستان دو گزینه کاملاً متفاوت برای مشارکت سیاسی وجود داشت. اولین گزینه را با عبارت تا حدی تحقیر آمیز "همانگونه که بود، بلکه بیشتر" میتوان توصیف کرد و این تقریباً بیانگر حاصل دیدار سران پیمان ناتو در ریگا Riga در پایان نوامبر ۲۰۰۶ بود.

همانگونه که بود، بلکه بیشتر: مقداری بیشتر کمک برای توسعه! برای نمونه المان تصمیم گرفت مبلغ کمک خود را ۲۰ میلیون یورو افزایش داده، به ۱۰۰ میلیون در سال ۲۰۰۷ برساند و نیز با توجه به اوضاع جدید، قصد دارد مبلغ مزبور را در سال ۲۰۰۸ به ۱۲۰ میلیون افزایش دهد. از المان نیروهای جدیدی نیز احتمالاً به جای نیروهای نروژی به افغانستان خواهند آمد زیرا نروژی ها دستجات عملیاتی سریع خویش را از آنجا خارج خواهند ساخت. این به معنی ادامه توسعه خزنده فعالیت ارتش المان "mission creep" می باشد. در هماهنگی با زمان تمدید مأموریت قوا در پانیز ۲۰۰۷، مارکوس کایم Marcus Kaim از بنیاد علم و سیاست (۱) توصیه ای را عنوان نمود در جهت اینکه چگونه میتوان "عملیات نظامی تداوم آزادی" OEF را که رضایتبخش نیست به اتمام رساند. به گفته وی عملیات مزبور را میتوان به انضمام هواپیماهای تورنادو که خلاف میل مردم المان بدانجا فرستاده شده اند، پای قوای بین المللی کمکی برای برقراری امنیت ISAF حساب کرد.

وضعیت تصمیم گیری کنفرانس سران ناتو در ریگا و تغییر اسمی وظایف تورنادوها و OEF هیچگونه مناسبیتی با اوضاع نداشته و به معنی ایجاد تغییر اساسی در سیاست مربوطه نبوده بلکه تنظیم تازه آن می باشد.

دو تن از همکاران بنیاد علم و سیاست SWP به نامهای نوتیل Noetzel و شرر Scheerer (۲) در نوشته ای تحت عنوان ستراتیژی برای مبارزه با شورش، جهات مثبت برون رفت دستجات عملیاتی سریع نروژی را خاطر نشان ساخته، توصیه می کنند که نیروهای المانی جای آنها را بگیرند. اما افزودن و شدت دادن به دخالت، تقریباً همیشه موقتاً نتایج مثبتی به لحاظ محلی و کوتاه مدت برای جنگ داشته است که البته مدتی بعد به عدم امنیت بیشتر و نهایتاً به بدتر از پیش کشیده شده و به خسارات بیشتر و دراز مدت منجر گشته است.

به نظر بسیاری از کارشناسان و نیز سیاستمدارانی که تجربه ای با بحران ها دارند، مانند ریشارد هولبروک Richard Holbrooke (۳) روش "همین گونه ادامه دهید" مطمئناً سرانجام تلخی خواهد داشت، همانگونه که مدل شوری در سال ۱۹۸۸ و مدل انگلستان در قرن نوزدهم نشان دادند. یکی از کارشناسان ارشد امور افغانستان در جهان به نام بارنت د. رابین از دانشگاه کلمبیا در نیویورک (۴) نیز مصّرانه خواهان تحول سیاست در قبال افغانستان می باشد. لذا راهی تازه برای کسب موفقیت برای افغانستان در آینده را چنین میتوان توصیف نمود:

**برنامه ریزی ستراتیژی برای برون رفت سازنده و منظم که حاصل آن صلحی پایدار باشد و آغاز بی وقفه پیاده کردن این طرح در یک پروژه آزمایشی**

برای اینکار گزینش اصول روشنی ضروری به نظر میرسند:

۱. هر که اکنون شعار برون رفت فوری قوای المان را سر دهد قصد دارد به جمهوری فدرال المان در جهت یابی سیاست خارجی اش از دو جنبه صدمه وارد آورد: اروپا و ناتو! علاوه بر آن وی به هر دوی این پیمانها که از دهها سال پیش ویژگی صلح آمیز خویش را به اثبات رسانده اند زیان وارد ساخته و بدین صورت بی خود و بی دلیل امکانات اساسی را که برای عملیات سازندگی به لحاظ مبانی کارسازی مناسب می باشند، رها می کند.

۲. از جانب دیگر هر که هنوز آمادگی اینرا نداشته باشد که در باره اقدامات درون افغانستان به طور اصولی تجدید نظر نماید، مطمئناً سیاست اتخاذی او در میانمدت به همان نتیجه ای می رسد که ناتو و اروپا و به ویژه المان بدان دچار گشته اند.

۳. و بالاخره کسی که در یک چنین جهت یابی تازه ای این تصور را داشته باشد که باید اوضاع افغانستان را از خارج هدایت نمود، راه شکست را انتخاب می کند. زیرا امپراتوری انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی، هر دو این راه را پیموده اند.

۴. و بالاخره کسی که فکر کند، حال که نمیتوان سیاست افغانستان را از خارج هدایت نمود، به پلی در آسیای مرکزی نیاز است، می بایست سر فرصت بدین نیز بیندیشد که اینکار در درازمدت فقط با توافق تمامی ملت افغانستان و مهمترین همسایگان آن میسر است.

#### **۲.۱. آغازی تازه: تثبیت توسط محوری قوی در آسیای میانه**

به عنوان مبنای دیگری، که درازمدت و برای دستیابی به راه حلی اصیل و فارغ از علائق کوتاه مدت ملی و بین المللی باشد، اندیشه ذیل قابل توصیه است: المان و افغانستان هر کدام در منطقه خویش دارای موقعیت ستراتیژیک مهمی می باشند. المان پس از شکست در دو جنگ جهانی نه تنها مجدداً کشوری قوی گشته است، بلکه تبدیل به قطب آرامی نیز که آثار ثبات و اطمینان بخشی از خود بروز می دهد، شده است. اما در مقابل آن افغانستان بیش از همه به خاطر ضعف درونی خود در عرض سی سال گذشته به فلاکت افتاده است. برای ایجاد ثبات، آرامش و امنیت در آسیای مرکزی توصیه میشود که برای برطرف نمودن ضعف های فاحش ملت افغانستان گوشش به عمل آید: به ایجاد یک سیستم آراسته به حاکمیت اصولی و خودگردانی، فزونی ضمانت های بین المللی و کمک به توسعه ای که

به لحاظ راهکاری مفید باشد به دستکم سه برابر میزان فعلی. بدین صورت میتوان از اینکه قدرت های خارجی به خاطر کسب نفوذ و قدرت در افغانستان تمامی منطقه را مجدداً به عدم ثبات بکشانند، جلوگیری نمود.

### ۲.۳. شرایط محیط و فرصت کم

گرایش مسلط و فاکتور زمان در افغانستان به نفع ناتو نبوده، برای آسیا و تمامی منطقه اطراف افغانستان منفعت دارد. و این به سود مقاومت در افغانستان است. زیرا روسیه و چین در این جهت سرمایه گذاری کرده و بدانجا اسلحه میفرستند. این بدان معناست که به لحاظ نظامی فقط به همین دلیل هم که باشد در این جنگ پیروزی میسر نیست. لذا باید توجه داشت که باید هر چه سریعتر به شرایط با هنجار و مرتب بازگشت شود. و این شرایط را فقط با مشارکت مقاومت افغانها و کلیه نیروهای مهم موجود میتوان به دست آورد، و فقط در صورتیکه تا فرصت باقیست اقدام گردد، یعنی در عرض ۵ ماه آینده و تا نیمه سال ۲۰۰۸.

شرایط با هنجار و مرتب مطلوب، هماهنگ با قطعنامه های مهم سازمان ملل که چارچوب حقوقی لازم را برای مبارزه با ترور تشکیل میدهند، به قرار ذیل تعریف می شوند:

ایجاد صلح در درون و به سوی بیرون، به موازات جلوگیری از صدور فعالیت های تروریستی و فعالین مربوطه، از طریق حضور دولتی مستقل که دارای مشروعیتی دموکراتیک و قابلیت پذیرفتن تعهدات و مسؤول باشد. حاصل تجربیات تاریخی و آگاهی بر منافع و تناسب قوای موجود اینست که برای دستیابی به هدف فوق شرایط اصلی ذیل می باید برآورده باشند:

۱. نیروهای مداخله کننده از قصد نفوذ هژمونیک، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و غیره خود که با تعریف بالا در تناقض باشند چشم پوشی کنند،  
۲. همه گروههای مهم سیاسی افغانستان می باید در فرایند آتی کشور مشارکت یافته و هیچ ممنوعیت حزبی در بین نباشد.

۳. تمامی کشورهای خارجی که در گذشته مستقیماً یا غیر مستقیم در افغانستان فعال بوده اند می بایست در هیأتی مشورتی - همانگونه که گروه رهبری بوزنی تشکیل یافت - در چارچوب یک کنفرانس، شریک و مقید گردند. مهمترین تفاوت این هیأت با کمیسیونهای بین المللی اداره کننده ای که تا کنون وجود داشته اند در اینست که اینجا موضوع بر سر ایجاد تعادل نفوذ میان آنها نبوده، بلکه مقصود برطرف نمودن کلیه نفوذهای خارجی است. برای اینکار میتوان از تجربیات "مذاکرات ۲+۶" استفاده نمود (به بخش ۲ توجه کنید). کشورهای ۳+۶ منطقه عبارتند از ایران، پاکستان، عربستان سعودی، ازبکستان، و تاجیکستان. سه کشور دیگر عبارتند از امریکا، چین و روسیه. به حساب آوردن عربستان سعودی به دلیل حضور مبارزان عرب در افغانستان و علاقه زیاد جهان عرب به اسامه بن لادن می باشد. در این چارچوب، عدم دخالت سیاسی آتی قوای دخیل، فرض و لازم بوده و تقید بدان، از طریق اقدامات پایای تنبیهی، توسط قرارداد تثبیت می گردد.

۴. برای افغانستان فرایند صلح پنج ساله اعتماد بخشی مقرر می گردد که اجرای طرح برون رفت Disengagement plan قوای خارجی، با اهداف زمانبندی شده پله پله و به موازات آن بافرونی مرتب کمک برای توسعه، هماهنگ گشته و در نتیجه موجب نقصان نیروهای بین المللی حاضر در کشور میگردد. تمامی نیروهای نظامی مربوطه دقیقاً بر طبق ستراتیژی صلح جویانه مزبور عمل خواهند نمود.

طرف های مذاکره در میان افغانها برای این طرح عبارتند از:

۱. دولت کرزی،

۲. نیروهای مقاوم مسلح، متشکل از طالبان و ح ۱۱ (حزب اسلامی افغانستان)،

۳. اتحاد شمال توسط پروفیسور ربانی، سیاف، فهیم، ژنرال دوستم،

۴. نمایندگان گروه‌های اجتماعی: کشاورزان، ایلات، زنان و غیره.

بیان کوتاهی از طرح صلح پیشنهادی می‌تواند چنین باشد:

**کوشش در ایجاد صلح متکی بر میانجیگری بین المللی و بر نیروهای دخیل در یک فرایند سه مرحله ای.**

هدف مورد نظر همانگونه که در آغاز مطرح شد بدین قرار است:

ایجاد صلح در درون و به سوی بیرون، به موازات جلوگیری از صدور فعالیت های تروریستی و فعالین مربوطه، از طریق حضور دولتی مستقل که دارای مشروعیتی دموکراتیک و قابلیت پذیرفتن تعهدات و مسؤول باشد.

### ۱.۳.۱. دولت المان مجبور نیست با طالبان مذاکره کند

اصلاً اهمیتی ندارد و قابل توصیه هم نیست که یکی از دول ناتو به قصد قابل پیاده نمودن پروژه آزمایشی مقدماتی و به خاطر خروج از افغانستان با طالبان، ح ۱۱ و یا یکی دیگر از گروه‌های مقاومت مسلحانه وارد مذاکره شود.

اما به هر حال برای کلیه دست اندرکاران، قابل پذیرش است که توافقات لازمه پیشاپیش، چه در سطح شخصی و چه با کمک سازمان های غیر دولتی، صورت گیرند. و البته در نهایت، درست پیش از آغاز پیاده کردن پروژه آزمایشی که برای به آزمایش نهادن کل برنامه، قبل از برون رفت قوای خارجی انجام خواهد یافت، باید قرار و مدارهایی گذاشته و به ثبت رسند که برای همگی دست اندرکاران، موجب اطمینان خاطر گردد. اما اینجا نیز لازم است که کوشش های دیپلماتیک، آنچنان در سطح مقامات بالا صورت گیرند که موجب ایجاد اطمینان لازم، باشد. البته شرکت کنندگان افغان، یعنی کرزی، ملا عمر، حکمتیار، فهیم، می باید در آغاز پروژه آزمایشی، خود را نسبت بدان متعهد نمایند.

### ۱.۳.۲. زمانبندی: با توجه به تحولات داخل امریکا

آغاز پیاده کردن پروژه آزمایشی از روی عمد به خاطر کسب اطمینان نسبت بدینکه به هنگام به قدرت رسیدن دولت جدید، شانس تجربه مثبتی برای رئیس جمهور آینده امریکا بماند، پیش از انتخابات امریکا قرار خواهد گرفت. بدینقرار مناسباتی به وجود می‌آیند که دولت جدید امریکا می باید آنرا بپذیرد. دلیل آن نیز تجربه و بیم از اینست که انتظار کشیدن بیش از اینها موجب خواهد شد که: الف / طالبان تا شکست کامل ناتو از میز مذاکره فاصله گیرند و ب / دولت بعدی امریکا نیز ابتداء مجبور خواهد بود عزم راسخ خویش را به نمایش گذارد. وگرنه به عنوان ضعیف و لرزان جلوه گر خواهد گشت.

### ۲. معرفی پروژه آزمایشی و طرح برون رفت

#### ۲.۱. انتخاب ولایتی برای طرح آزمایشی

گام نخست با آغاز یک طرح آزمایشی در یکی از ولایت های برگزیده کشور برداشته خواهد شد که فعالیت جنبش مقاومت در آن ضعیف نبوده و آمادگی اصولی و قابلیت کلیه دست اندر کاران آنجا را برای تمامی برنامه و برای نمونه و عملاً بسنجد.

به اساس موقعیت ویژه ای که در چارچوب نقش OEF و نیز ISAF وجود دارد ولایت مزبور ترجیحاً در منطقه مسؤولیت المان در افغانستان می باید باشد. زیرا تصور این مشکل است که سایر کشورهای عضو ناتو تا زمانیکه دولت متبوع طراح این پروژه حاضر به انجام آن نباشد، آنرا عملی نمایند. با اینحال این طرح صلح، مسلماً در هر یک از ولایت‌های دیگر نیز قابل عملی شدن می باشد و البته برای انجام آن نباید یکی از ولایت‌های آرام انتخاب گردد،

- بلکه لازم است که میزان قابل ملاحظه ای از فعالیت های مقاومت در آنجا موجود باشد تا اینکه در پایان پروژه آزمایشی بتوان نتیجه قابل اطمینانی را از آن کسب نمود. در شمال افغانستان، در ناحیه تحت مسؤولیت المان این فقط ولایت قندوز می تواند باشد. مشخصات این ولایت به قرار ذیل اند:
- دارا بودن بالاترین میزان موارد درگیری در شمال افغانستان،
- وجود چالش های قومی میان پشتون ها، تاجیک ها و ازبک ها،
- حضور یکی از قویترین فرماندهان باند های مواد مخد (فهمیم) در آن نزدیکی ها با تعداد نفراتی میان سه هزار و ده هزار،
- وجود میزان بالائی از صدور هروئین (کرپدور تردد)،

## ۲.۲. مبانی طرح آزمایشی

۱. هیچگونه فعالیت یا مقدماتی پیش از آغاز پیاده نمودن طرح از جانب مقاومت صورت نگیرد،
۲. قائل شدن حق بازگشت برای کلیه اهالی فراری و آواره،
۳. هیچگونه فعالیت یا فشاری توسط دستگاه های دولتی، فرماندهان باند های مواد مخدر یا نیروهای اشغالگر انجام نگیرد،
۴. افزایش بلا درنگ کمک برای توسعه و احیاناً تجدید نظر به لحاظ ستراتیژی در آن (۵)

## ۳.۲. مأمور طرح صلح

به لحاظ پرسنلی، مسؤولین این اقدام به عهده مأمور طرح صلح و اگذار می گردد، که بدو پروژه مزبور را در یکی از ولایتهای کشور پیاده خواهد کرد. مسؤول مزبور می بایست به طور دائم مقیم افغانستان بوده و آنجا شاغل باشد. وی کار خویش را از محلی که خود انتخاب خواهد نمود پیاده خواهد کرد که احتمالاً همکاران خویش را نیز خود انتخاب خواهد نمود. برای کمک به او از جمله در هر یک از هفت بخش ولایت قندوز فردی به او یاری خواهد نمود که مأمور اینکار شده و مسؤولانه وظیفه خویش را به کمک دو منشی انجام خواهد داد. برای انجام اغلب فعالیت های مربوط به پروژه افراد دیگری نیز می توانند به کار گرفته شوند.

علاوه بر این دو هیأت ثابت مستقر در شهر قندوز فعالیت خواهند نمود، یکی برای حل و فصل مسائل سیاسی و دیگری برای مسائلی که میان اقوام به وجود آیند. از جمله فهمیم که فرمانده باند مواد مخدر می باشد، میتواند در نقش سیاسی عمل نماید.

گام نخست پروژه آزمایشی را همانگونه که اشاره شد شماری از مذاکرات غیر رسمی با دست اندر کاران امر، تشکیل خواهند داد که از جمله در منشور لدراخ Lederach-Pyramide (سطح ۱) به حساب آمده و در آن کلیه مسائل مطروح قابل بررسی می باشند. هزینه این مرحله مقدماتی می باید تأمین گشته و این فقط توسط یک سازمان غیردولتی می تواند انجام یابد که در گذشته میزان قابل ملاحظه ای بودجه از جانب دولت دریافت نموده باشد. البته سازمان GTZ (جمعیت المانی همکاری های فنی) به خاطر نزدیکی اش به دولت المان برای اینکار مناسب نیست. مهمترین هیأت عامله، متشکل از افراد دخیلی می باشد که در منشور لدراخ سطح ۲ را تشکیل می دهد.

پروژه آزمایشی مزبور به مدت یک سال در یکی از ولایتهای اجرا گشته و سپس به مرحله طرح برون رفت خواهد رسید که بدو علاوه بر قندوز ۱۲ ولایت دیگر افغانستان را شامل میگردد. هر ولایت در این مرحله، سه پله توسعه را طی خواهد نمود که هر کدام فقط در صورتی قابل گذر خواهد بود که صلح برقرار باشد:

سال ۱: برقراری صلح

آغاز بازگشت پناهندگان؛ مسلح بودن به اسلحه های عادی، تحمّل و نیز کنترل میشوند؛ تهیه مقدمات برای جنگ تحمل نمیشود؛ کمک برای توسعه، ۳ برابر افزایش خواهد یافت؛ هرگونه سرکوب سیاسی موقوف بوده، کلیه فعالیت های OEF و ISAF تا زمانیکه مقاومت مراعات صلح را بنماید پایان خواهند یافت؛ از هرگونه تحریک باید جلوگیری شود؛ آغاز اقدامات اعتماد سازی و برقراری ارتباطات توسط میانجیگری Mediation.

## ۲.۴. آغاز روابط دموکراتیک

سال ۲: آغاز روابط دموکراتیک

انتخابات دولت ولایت، برون رفت گام به گام نیروهای خارجی، ادامه فعالیت های آغاز شده، از هر گونه اعمال نفوذ در انتخابات می بایست جلوگیری شود. برای اینکار می باید مخصوصاً با نیروهای مقاومت قرار و مدار گذاشته شود.

سال ۳: آغاز حاکمیت ملی

به اتمام رساندن برون رفت نیروهای خارجی، ادامه فعالیت های آغاز شده.

تمامی طرح برون رفت می باید مادامی که صلح مراعات می گردد، در روند سه پله سراسر افغانستان را در بر گیرد.



پله ۱ (سال اول): ولایت محل آزمایش بر طبق پیشنهاد: قندوز (اصولاً هر یک از ولایتهای می تواند انتخاب شود)  
پله ۲ (سال دوم): ۱۲ ولایت دیگر، بدون تعیین محل از پیش، اما توصیه میشود که مناطق تحت مسئولیت امنیتی المان ترجیح داده شوند.

پله ۳ (سال سوم): گسترش به تمامی افغانستان.

بنابر این فقط به لحاظ زمان سنجی تمامی پروژه دستکم در یک دوره پنج ساله طی خواهد شد تا کلیه قوای خارجی افغانستان را ترک نمایند.



در این میان بسیار مهم است که نظامیان در مناطق مربوط به پروژه، با کمال رعایت عمل کرده و ترجیحاً نقش پولیس را ایفاء نموده و قابل جایگزینی توسط نیروهای پولیس باشند، البته در صورتیکه تسلیحات لازمه در اختیار آنها باشد.

در صورتیکه از جانب مقاومت فعالیت های نظامی صورت گیرد، فرایند مزبور بدو قطع خواهد شد و در صورتیکه این فعالیت ها ادامه یابند میتواند موجب پایان یافتن کل پروژه گردد. کشورهای عضو ناتو و سایر اعضا انتلاف ضد ترور متعهد میشوند که نه مستقیماً و نه به طور غیر مستقیم، نه علناً و نه مخفیانه در این فرایند اعمال نفوذ نمایند یا مزاحم آن شده، مانع بر سر راه آن ایجاد کنند، یا با اقدامات خود آنرا بی اثر ساخته، آنرا ترمز کرده و یا به کلی مانع آن گردند.

تمامی فرایند مزبور مورد حمایت مالی قرار گرفته، بدو سه برابر کمک توسعه جاری را دریافت خواهد نمود که در یک برنامه ۵ ساله بعدی، مرحله به مرحله، به میزان معمول کمک های توسعه در مقیاس بین المللی خواهد رسید.